

## تحقیقی درباره

آیت الله سید جعفر کریمی

# ماهیکنِ خاویز

### بخش فقهی

قسمت دوم

### علامت حلیت ماهی

اکنون به چند روایت که علامت حلیت ماهی در آن ذکر شده اشاره می‌نمائیم:

۱- صحیحۃ محمد بن مسلم قال: اقرأنی ابو جعفر علیه السلام شیئاً من کتاب علی علیه السلام، فاذا فیہ: انہا کم عن الجری والزمر والما و ماہی و الطافی و الطحال، قال قلت: یا بن رسول الہ یرحمک اللہ انا نوتی بالسک لیس لہ قشر؟ فقال: کل ما لہ قشر من السمک وما لیس لہ قشر فلا تا کله. (۱)

محمد بن مسلم می گوید:

امام باقر علیه السلام قسمتی از کتاب علی علیه السلام را برایم خواند و در آن کتاب این چنین بوده: شما را نهی می‌کنم از خوردن جری، زمیر، مارماهی، ماهی در آب مرده و طحال، بحضرتش عرض کردم ای پسر پیغمبر! ما بر خورد می‌نمائیم بماهی که قشر ندارد، حکمش چیست؟ حضرت فرمود: ماهی که قشر دارد بخور آنرا حلال است و ماهی که قشر ندارد، نخور آنرا حرام است.

۲- صحیحۃ حماد بن عثمان قال: قلت لأبی عبد اللہ علیہ السلام: جعلت فداک العیتان ما یوکل منہا؟ فقال: ما کان لہ قشر، قلت جعلت فداک ما تقول فی الکعت، فقال: لا بأس باکله، قال: قلت لہ: فانه لیس لہ قشر؟ فقال لی: بلی ولکنها سمکة سبۃ الخلق تحتک بکل شیء و اذا نظرت فی اصل اذنها وجدت لها قشراً. (۲)

از امام صادق علیه السلام پرسیدم چه قسم از ماهیها خوردنی و حلال است، حضرت در جواب فرمود: آن قسم از ماهیها که قشر و پوسته برتن دارد، عرض کردم: فدایت شوم چه می‌فرمائید در کعت؟ فرمود مانع ندارد و خوردنش حلال است، عرض کردم: این ماهی که قشر ندارد؟ در جواب فرمود: چرا! این ماهی قشر دارد لیکن ماهی ناراحتی است و خود را بهر چیزی به سرعت می‌مالد، وقتی دقیق به بناگوش آن نگاه کنی می‌بینی که قشر دارد.

۳- عبد اللہ بن سنان عن ابی عبد اللہ علیہ السلام قال: کان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیہ السلام بالکوفة یرکب بغلة رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ ثم یمز بسوق الحیتان فیقول: لا تا کلوا ولا تیبوا من السمک ما لم یکن لہ قشر.

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در کوفه تشریف داشتند، سوار بر استر رسول الله «ص» می‌شدند سپس بازار ماهی فروشی می‌گذشتند و می‌فرمودند: نخورید و نفروشید آن قسم از ماهیها را که قشر و پوسته برتن ندارد.

۴- هشام بن سالم عن عمر بن حفص قال: حملت الی ریثاً یابسة فی صرة فدخلت علی ابی عبد اللہ علیہ السلام فسألته عنها، فقال: کلها فلها قشر.

عمر بن حفص می‌گوید: ریثای خشک پیچیده در دستمالی برایم آوردند، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم از حضرتش در باره حلیت آن پرسیدم، فرمود: مانع ندارد بخور آنرا زیرا این ماهی دارای قشر و پوسته است.



از مجموع روایات علامت حلیت ماهی چند مطلب بشرح زیر استفاده می شود:

- ۱ - میزان در علامت حلیت ماهی وجود قشر و پوسته بر روی پوست بدن ماهی است بهر شکل و حجمی که باشد.
  - ۲ - میزان وجود قشر و پوسته بر روی تمام پوست بدن ماهی نیست، بلکه وجود قشر و پوسته در قسمتی از بدن ماهی (زیر پشنگوش یا طرف دم یا در کنار باله ها) کافی است که علامت حلیت باشد و ما آن ماهی را حلال بدانیم.
  - ۳ - در قشر و پوسته، شکل بخصوص منظور نشده بلکه همینکه چیزی زائد بر پوست بدن ماهی بر روی پوست دیده شود که آنرا قشر و پوسته بشامند حتی مانند قشر و پوسته بر بدن میگو کافی است که علامت حلیت آن ماهی باشد و چنین قسم ماهی حلال شمرده شود.
  - ۴ - یا اینکه اصحاب امامیه از قدیم الایام آشنا به نظرات ائمه معصومین علیهم السلام بودند و می دانستند ماهی که فاقد قشر و فلس باشد حرام است و فقط ماهی قشردار و فلس دار حلال است، باز از جهت شبهه در خصوصیات قشر و فلس و نحوه قشر داشتن ماهی، در بعضی اقسام ماهیهای قشردار شبهه می کردند، و حکم آنها از امام علیه السلام می پرسیدند، حتی گاهی برای روشن شدن موضوع لازم می دیدند که خود ماهی مورد شبهه را به امام ارائه دهند تا حضرت با دیدن ماهی و نحوه قشردار بودنش حکم آنها بیان فرماید.
  - ۵ - در روایات، هیچگونه خصوصیتی از نظر شکل و حجم قشر، و از نظر مقدار لازم در پوشیده بودن سطح پوست بدن ماهی به قشر و فلس بیان نشده، بلکه فقط اکتفاء شده بذکر قشر و فلس بعنوان علامت حلیت، و از اینرو برای اصحاب امامیه در بعضی انواع ماهیهای قشردار شبهه شده است، و اگر میزان در علامت حلیت خصوص پولکها مانند پولکهای بر روی پوست ماهی کپور یا ماهی سفید و پوشش بر سطح تمام پوست بدن ماهی می بود، هیچگاه جای شبهه برای اصحاب در بعضی انواع ماهیها باقی نمی ماند.
- با عنایت بمراتب فوق، می توان از مجموع روایات وارده در باب علامت حلیت ماهی استظهار نمود:

اولاً - منظور از قشر و فلس که علامت حلیت قرار گرفته پوششی است بر روی پوست بدن ماهی بهر شکل که باشد.

ثانیاً - قشر و فلس متغایر هم نیستند بلکه منظور از آن دو علامت یک چیز است که همان پوشش روی پوست بدن ماهی و زائد بر پوست اصلی بدن ماهی باشد.

۵ - حنان بن سبیر قال: سألت العلاء بن کامل اباعبدالله علیه السلام وأنا حاضر عن الجری فقال: وجدنا فی کتاب علی علیه السلام اشیاء محرمة من السمک فلا تقر بها، ثم قال ابوعبدالله علیه السلام: ما لم یکن له قشر من السمک فلا تقر به.

حنان می گوید: علاء در حضور من از امام صادق علیه السلام در باره حکم جزی سوال نمود، حضرت فرمود در کتاب علی علیه السلام اقسامی از ماهیها را حرام یافتیم، پس نزدیک آن قسم ماهیها نروید، سپس امام صادق فرمود: آن قسم از ماهیها که قشر و پوسته بر تن ندارند باید حتماً نزدیک آن نشوید.

۶ - حنان بن سبیر قال: اهدی فیض بن المختار الی ابی عبدالله علیه السلام ریشاً فادخلها علیه وانا عنده فنظر الیها فقال: هذه لها قشر فاکل منها ونحن نراه.

حنان می گوید در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که فیض بن مختار ماهی ریشا هدیه برای آن حضرت آورد، حضرت نظر فرمود به آن و اظهار داشت این ریشا دارای قشر و پوسته است، سپس از آن در حضور ما تناول فرمود.

محمد بن جمهور باسناد له قال: حمل رجل من اهل البصرة الأریبان الی ابی عبدالله علیه السلام و قال له: ان هذا یتخذ منه عندنا شیء یقال له الریشا یتستطاب اكله و یؤکل رطباً و بابساً و طیبخاً و ان اصحابنا یختلفون فیه، فمنهم من یقول: ان اكله لایجوز و منهم من یأكله، فقال لی: کل فانه جنس من السمک ثم قال: اما تراها تقلل فی قشرها.

محمد بن جمهور نقل می کند مردی از اهالی بصره اریبان (میگو) را جهت پرسش از حلیت آن خدمت امام صادق علیه السلام آورده، عرض کرد: در نزد ما از این اریبان چیزی بنام ریشا درست می کنند که خوردنش لذیذ است، و بصورت تر و خشک و پخته خورده می شود، و همکیشان ما در حلیت و حرمت آن اختلاف کردند، بعضی می گویند: جایز نیست خوردن اریبان، و بعضی خوردنش را جایز می دانند، حضرت فرمود: اشکال ندارد و بخور آنها زیرا که اریبان قسمی از ماهیها است، سپس فرمود: آیا نمی بینی اریبان را که در قشر و پوسته خود می لولند.

زرارة عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال: و بكرة کل شیء من البحر لیس له قشر مثل الورق و لیس بحرام انما هو مکروه.

زراره بسند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل می کند، حضرت فرمود: هر حیوان دریائی که قشر و پوسته همانند ورق و برگ ندارد مکروه است و حرام نیست و این روایت صحیح گرچه مذکور در آن مورد قبول فقهاء نیست و حمل بر تقیه نمودند، ولی تعبیر مذکور در آن قابل اعتناء و استناد است.

نالئاً - لازم نیست چنین پوشی در تمام سطح پوست بدن ماهی باشد بلکه کافی است قسمتی از پوست بدن ماهی دارای این چنین پوشی باشد، حتی کافی است ماهی بر حسب خلقت نوع خود دارای چنین پوشی باشد، اگر چه بر اثر عوارضی پوشش روی پوست بدن آن بریزد و یا تغییر شکل دهد.

## □ تشخیص فلس دار بودن ماهی

مطلب دیگری که در رابطه با تشخیص فلس دار بودن ماهی بسیار مهم است، این است که معلوم شود چنین تشخیصی بر عهده چه کسی است؟ و چه مقدار می توان بر قول متخصصین در این رابطه اعتماد نمود؟ در موضوعات و متعلقات احکام شرعی و همچنین در قیود و شرایطی که در موضوع یا متعلق حکم منظور شده، اگر خود از معمولات و اختراعات شرع مقدس باشد، شکی نیست که در شناخت و پی بردن به حقیقت آن باید به شرع انور مراجعه شود، و از بیان آیات و روایات واقیعت آنرا شناسائی نمود، ولی اگر قید و شرط منظور شده در موضوع یا در متعلق حکم شرعی و یا خود موضوع یا متعلق حکم یک امر واقعی باشد، در اینصورت تشخیص آن موقوف به نظر خود مکلف است و نیازی به بیان شرع انور یا فتوای مرجع تقلید ندارد، و از این رو است که نظر هر مکلفی در اینگونه امور برای خودش حجت است، مثلاً اگر مکلف، آب را مطلق تشخیص دهد می تواند با آن وضو بسازد اگر چه دیگران آن آب را مضاف ببینند، و یا در مورد پرنده ای تشخیص دهد که پرزدنش بیش از پر کشیدن است، آن پرنده محکوم بحلیت است اگر چه دیگران بر حسب برداشت خود نظر مخالف داشته باشند، مگر آنکه نظر دیگران در حد حجت شرعی برای مکلف در آید.

در اینگونه امور اگر تا اندازه ای پیچیدگی و ابهام داشته باشد و تشخیص برای مکلف مشکل شود و مکلف در اشتباه بیفتد، شکی نیست که گواهی اهل خبره (متخصص) بشرط آنکه واجد شرایط بینه باشد حجت است و می توان بر آن تکیه کرد، و نمونه آن در موضوعات و متعلقات احکام شرعی و قیود و شروط منظور شده در آن بسیار است، و فقهای عالی مقدار در کتب استدلالی و در رساله های عملیه در مورد خودش بر آن اشاره دارند.

و روایات وارده در بیان حلیت بعضی اقسام ماهیهای مورد شبهه شاید از این قبیل باشد، و امام علیه السلام پس از آنکه کلی ماهی حلال را بیان فرمودند که عبارت از ماهی قشر و پوسته دار باشند، در موارد ماهیهای شبهه ناک که مورد سوال قرار می گرفت، خواستند

در باره تشخیص موضوع اظهار فرمایند، و بیان نمایند که مورد سوال از قسم ماهی فلس دار و قشردار است و از این جهت حلال است، نه اینکه بخواهند رأساً حکم کلی الهی مورد سوال را بهر عنوان و صفت که باشد بیان نمایند، و شاید از همین قبیل باشد بیانی که در مورد حرمت قنّاع وارد شده است (لا تشر به فاته خمر مجهول - هو الخمر و فیه حدّ شارب الخمره ی خمره - استصغرها للناس).

بنا بر این از روایات وارده در بیان علامت حلیت ماهی و در بیان سر و جهت حلیت ماهیهای که محل شبهه بوده و مورد پرسش قرار گرفته، استفاده می شود که اگر ماهی از نظر شبهه در قشردار بودنش مورد شبهه حلیت و حرمت قرار گرفته، می توان در تشخیص قشردار بودنش به اهل خبره و متخصص مراجعه نمود و در صورتیکه نظر او دارای مبنای صحیح باشد بر آن اعتماد نمود.

بنا بر این اگر قشر و پوسته و فلسی که در لسان روایات معیار حلیت ماهی قرار داده شده برای ماهی شناسان تبیین و مشخص شود، و دو نفر عادل از ماهی شناسان با آشنائی بر معیار و میزان شرعی حلیت ماهی، در مورد بعضی انواع ماهیها گواهی دهند که از قسم قشر و فلس دار است، نظرشان قابل اعتماد است و حکم به حلیت چنین ماهی داده می شود.

## □ حلیت ماهی خاویار:

در مذهب شیعه، هر ماهی که فلس دارد حلال است و ماهی بدون فلس حرام است و در این هیچ اختلافی نیست. اگر اختلافی باشد، در تشخیص موضوع است پس اگر همه بپذیرند که این ماهی، فلس دار است، همه بالا تفاق خواهند گفت: حلال است، و اگر همه قبول داشته باشند که فلس ندارد، بالا تفاق آن را تحریم خواهند کرد. ولی در موارد شبهه به اهل خبره و کارشناسان متخصص باید مراجعه کرد، و با گواهی متخصصان مورد وثوق دائر بر فلس دار بودن ماهیهای مورد شبهه حکم به حلیت آن برای همگان می شود بدون اینکه اختلاف در تقلید اثری در اختلاف حکم در مثل چنین موردی داشته باشد.

در مورد ماهیهای خاویاری، برخی خیراندیشان به فکر افتادند که تحقیقی درباره آنها بشود، لذا از طرف اداره شیلات چند عدد از آن ماهیها را به قم آوردند، و اینجانب و برخی دیگر از دوستان عزیز حجج اسلام آقایان آذری و راستی و ابیطحی از نزدیک مشاهده کردیم و دیدیم که پوشی روی پوست بدن آن ماهیها وجود دارد که در طرف دم، زیر بالها و نزدیک آنها زائده هائی به صورت قشر و



تشخیص دهید، باید در این مورد به نظر کارشناسان متخصص عادل که معیارهای اسلامی را بدانند اعتماد نمایند و به شهادت آنان عمل کنید هیچ می دانید که اگر به سلیقه خود، حلال خدا را حرام کنید، گناه کرده اید. پس نکند که ناخودآگاه با دشمنان اسلام همصدا شوید و بگویند چه شد که جمهوری اسلامی حرام خدا را حلال کرده!! جمهوری اسلامی آمده است که سنت رسول الله «ص» را زنده کند و مردم را از غفلتها برهاند.

از برادرانی که در مورد ماهیهای خاویاری زحمت زیادی کشیدند و در واقع خدمت بزرگی به اقتصاد ایران و به ملت عزیز ما کردند و همچنین از نماینده محترم امام در استان گیلان و امام جمعه رشت حجة الاسلام والمسلمین آقای احسانبخش که بیشترین زحمت را در این مورد متحمل شدند و عده ای دیگر از مسئولین شیلات که با ایشان همکاری کردند، تشکر و تقدیر می کنم. خداوند همه را موفق کند که در راه خدمت به اسلام و ملت اسلامی گام بردارند.

- ۲۹۱- وسائل الشیعه ج ۱۶ باب ۸ از ابواب اطعمه محرمه
- ۴۹۳- وسائل الشیعه ج ۱۶ باب ۸ از ابواب اطعمه محرمه
- ۵- وسائل الشیعه ج ۱۶ باب ۱۲ از ابواب اطعمه محرمه
- ۷۹۶- وسائل الشیعه ج ۱۶- باب ۱۲ از ابواب اطعمه محرمه
- ۸- وسائل الشیعه ج ۱۶- باب ۹ از ابواب اطعمه محرمه
- ۹- وسائل الشیعه ج ۱۷ باب ۲۷ از ابواب اشربه محرمه

پوشش زائد روی پوست دیده می شد، لذا ما بالاتفاق تشخیص دادیم که این ماهی فلس دار است. از آن پس، نماینده امام و امام جمعه محترم رشت حجة الاسلام والمسلمین آقای احسانبخش سمیناری در بندر انزلی تشکیل دادند و از بعضی علما و عده ای متخصصین دعوت به عمل آوردند که ماهیها را از نزدیک ببینند که آیا فلس دارد یا نه؟ نکند، فریب نیرنگهای سیاسی ابرجناایتکاران را خورده باشیم که چنین نعمت خدا دادی را در کنار آبهای ساحلی خودمان از دست بدهیم و بی جهت یا در اثر تلقین دشمنان، آن را حرام بدانیم که خداوند منان در قرآن می فرماید: برای چه پیش خودتان، چیزهایی را که خدا حرام نکرده، حرام می کنید.

در آن سمینار نیز، اینجانب به اتفاق بسیاری از آقایان حاضر در سمینار- بر اساس درک از روایات اهل بیت علیهم السلام- تشخیص دادیم که این ماهیها دارای فلس است. پس از تمام شدن آن سمینار، صورتجلسه ای کردند و نظرات را خدمت حضرت امام روحی فداء منعکس نمودند و امام هم فرمودند: اگر دو نفر از متخصصین یا بیشتر که عادل و مورد وثوق باشند، شهادت بدهند که این از قسم ماهی فلس دار است، محکوم به حلیت است و اگر شهادت ندادند حلال نیست.

امام عزیزمان در این باره همان روش اجداد طاهرینش «ع» و شیوه فقهاء عالی مقدار شیعه در این قبیل امور را اتخاذ فرمودند و بیش از این چیزی نفرمودند: و بحمدالله عده زیادی از متخصصین مورد اعتماد به فلس دار بودن این ماهیها شهادت دادند.

### تذکره هموطنان: □

در اینجا لازم است به هموطنان عزیز تذکر دهیم: بسا ممکن است ناخودآگاه فریب بدخواهان جمهوری اسلامی ایران را بخورند و بگویند: چه شد که این ماهی تا به حال حرام بوده و اکنون حلال شده است؟! اینچنین نیست که چیزی در گذشته حرام بوده و اکنون حلال شده باشد بلکه چون تاکنون تحقیقی در مورد این ماهیها به عمل نیامده بود و شاید هم نیازی در آن نمی دیدیم، لذا گول روسبهارا می خوردیم، آنها هم برای اینکه می خواستند به تنهایی از این نعمت خدادادی استفاده کنند و ما هیچ بهره ای نبریم، به ما می گفتند: حرام است! نزدیک آن نشوید! اکنون که خودمان به فکر افتاده ایم و بررسی و تحقیق کرده ایم می دانیم که وجبی ندارد این ماهی حلال را، حرام بدانیم.

شما برادران نیز اگر خودتان تشخیص دادید که این ماهیها فلس دارد، طبعاً قائل به حلیت آن می شوید و اگر خودتان نتوانستید

